
تحلیل قرآنی - روایی مؤلفه‌های تمدن ساز سبک زندگی در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام

خدیدجه حسین زاده باردئی (نویسنده مسئول)^۱

سید احمد موسوی باردئی^۲

طاهره ماهرو زاده^۳

چکیده

روح اصلی بیانیه گام دوم انقلاب سبک زندگی به معنای جامع آن است. سبک زندگی مقوله‌ای است بنیادین که اندیشمندان علوم اجتماعی، تربیتی، روان‌شناختی اقتصادی و مدیریتی یا رویکردهای مختلف به آن توجه کردند اما تفسیر مقام معظم رهبری از سبک زندگی و مؤلفه‌های تمدن ساز ایشان در حوزه مصرف به این دلیل که برگرفته از مبانی دینی و ناظر به مسائل فرهنگی و اقتصادی می‌تواند مسیر روشنی را در اختیار محققان و مبلغان

۱. پژوهشگر رشته ی تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء سلام الله علیها ، مدرس بنت‌الهدی . Hosinzadeh110@gmail.com

۲. استاد یار گروه معارف موسسه آموزش عالی فخررازی و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، musavi6290@gmail.com

۳. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی.قم.پژوهشگر مطالعات اسلامی جامعه الزهرا mahrozadeh@gmail.com

فرهنگ اسلامی قرار دهد. از این رو مقاله پیش رو با به روش نقلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد است که با تحلیل قرآنی و روایی بیانات مقام معظم رهبری به تبیین مولفه‌های تمدن‌ساز سبک زندگی در حوزه مصرف بپردازد. یافته‌های پژوهش پیش رو، حاکی از آن است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مولفه‌های مؤثر در تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف را می‌توان به دو دسته مولفه‌های سلبی و ایجابی تقسیم نمود. مصرف اقلی و قناعت، دقت بیشتر در مصرف عمومی، توازن بین دخل و خرج، گزینش کالاهای حلال و طیب، گزینش کالاهای داخلی از جمله مولفه‌های ایجابی و اسراف، تجمل‌گرایی، اتراف و تنوع طلبی، نیازهای کاذب و اولویت‌بندی نیازها از جمله مولفه‌های سلبی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه ایشان است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم؛ سبک زندگی قرآنی؛ مولفه‌های تمدن‌ساز؛ مولفه‌های مصرف؛ اصلاح الگوی مصرف.

۱. مقدمه

بیانیه گام دوم در حقیقت نگاهی است منظومه‌ای و جامع به صیورورت انقلاب اسلامی در ابعاد محتوایی و شکلی که به جرأت می‌توان گفت هیچ موضوع و عنصر مهمی در آن مغفول نمانده است. در بندهای انتهایی بیانیه و به صورت مختصر به تبیین سبک زندگی پرداخته شده است. مقام معظم رهبری در مورد سبک زندگی در بیانیه فرمودند: «سخن لازم در این باره بسیار است، فقط به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که با چشم امید در آن به جوان‌هاست». با توجه به فرمایشات قبلی رهبر انقلاب روح و سیرت انقلاب اسلامی، سبک زندگی است؛ از این رو روح اصلی بیانیه، طبق فرمایشات ایشان سبک زندگی در تعریف جامع آن است که در ذیل به تفصیل به آن پرداخته می‌شود.

از سویی از دیدگاه ایشان تشکیل تمدن اسلامی دارای دو بخش محوری است:

بخش ابزاری تمدن نوین اسلامی که عبارت است از ارزش‌هایی که امروزه به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌شوند؛ مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. البته این‌ها همه بخش ابزاری تمدن و وسیله است.

بخش حقیقی تمدن نوین اسلامی همان سبک زندگی است یعنی اموری مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک و غیره این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی (۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱)، <https://farsi.khamenei.ir>). این وسعت و گستردگی سبک زندگی که شامل حیات فردی و اجتماعی انسان می‌شود حتی در مسائل اقتصادی تاثیرگذار است. به حدی که مقام معظم رهبری ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی و فرهنگ‌سازی را درباره اصلاح الگوی

مصرف و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، ابلاغ کردند. مهم‌ترین بخش منویات مقام معظم رهبری سبک زندگی در حوزه مصرف است؛ از این رو نوشتار پیش رو درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که مولفه‌های سبک زندگی تمدن‌ساز در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری چه مستندات قرآنی و روایی دارد؟ از این رو با روش توصیفی تحلیلی ابتدا به تبیین بحث مفهوم‌شناسی و سپس مولفه‌های تمدن‌ساز در حوزه مصرف از بیانات ایشان اصطیاد کرده و در دو بخش ایجابی و سلبی دسته‌بندی نموده و به تبیین قرآنی و روایی آن‌ها پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی

قبل از شروع بحث ابتدا به تبیین مفاهیمی چون تمدن‌سازی، سبک زندگی و مصرف پرداخته می‌شود:

۱.۲. تمدن‌سازی

«فوکوتساوا یوکیچی» یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه تمدن (civilization)، دو تعریف از تمدن ارائه می‌دهد؛ در تعریف اول، او تمدن را به منزله امری محدود معرفی می‌کند؛ یعنی افزایش دادن آن چه که انسان مصرف می‌کند؛ یعنی افزایش صورت مادی تمدن. در تعریف دوم تمدن به معنای گسترده معرفی می‌شود؛ که در کنار رفاه در زمینه ضرورت‌های روزانه به پالایش معرفت و پرورش فضیلت به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه بالاتری بکشاند نیز توجه می‌شود؛ یعنی او برای تمدن دو سطح قائل است: یک سطح مادی و دیگری سطح معنوی است که به مثابه زیربنای تحقق تمدن در نظر گرفته می‌شود و مانند موتور محرکه تمدن عمل می‌کند و بر اساس نیازهای موجود به صورت‌های مادی تمدن شکل می‌دهد (یوکیچی، ۱۳۷۹، ۱۱۹). از سویی دیگر، تمدن‌ها اموری پویا هستند که در اثر رابطه میان بُعد مادی و معنوی ایجاد می‌شود؛ پس برای حفظ پویایی تمدن بایستی هم در بُعد مادی و هم در بُعد معنوی پویایی خود را حفظ کند (مقصودی و تیشه یار، ۱۳۸۰، ۱۵۸).

به عبارتی دیگر، تمدن به حالتی از توسعه در زندگی بشر گفته می‌شود که توسعه فکری، فرهنگی، مادی و همچنین توسعه علمی و هنری را دربر می‌گیرد. این توسعه در زمینه‌های یاد شده به شکل‌گیری نهادهای سیاسی و سازمان‌های اجتماعی منجر می‌شود. بنابراین می‌توان تمدن را به مثابه فرهنگ یا جامعه‌ای در نظر گرفت که در منطقه‌ای خاص و یا در دوره‌ای مشخص ظهور می‌کند.

دکتر شریعتی نیز در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن به معنای کلی عبارتست از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه انسانی... باید انسان را تغییر داد، نه این که وسایل زندگی‌اش را مدرن کرد. وقتی وسایل عوض شود، به خاطر سازش و آماده شدن برای مصرف آن کالاها، مسلماً انسان یک مقدار عوض می‌شود؛ ولی بینش انسان عوض نمی‌شود فقط ذوق مصرف انسان عوض می‌گردد. هر جامعه متمدنی ماشین، برق، تلویزیون و هواپیما و اسلحه دارد؛ اما هر جامعه‌ای که این‌ها را داشته باشد حتماً متمدن نیست» (شریعتی، ۱۳۶۸، ۸). از این رو تمدن با تغییر روح تک تک افراد جامعه که تغییر در روح کلیت جامعه به عنوان یک ملت آغاز می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت مادامی که این حرکت استمرار دارد، تمدن‌سازی نیز ادامه خواهد داشت.

تمدن از نگاه رهبر انقلاب، زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی و استفاده از پیشرفت‌های زندگی در همه عرصه‌های مختلف، به همراه پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسان‌ها است. رهبر انقلاب شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی را ایمان، علم، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت مقابله با امواج جهانی، ثروت، اخلاق و مجاهدت مداوم بر می‌شمارد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها: <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/31386>، ۱۳۹۴/۸/۲۰). همچنین، تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف و پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و آحاد مردم را دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌دانند (امام خامنه‌ای، بیانات در کنفرانس اسلامی: <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/31770>، ۹۴/۱۰/۸).

سویی ایشان الزامات و بایدهای برپایی تمدن اسلامی را لزوم القای باور تمدن‌سازی اسلامی به مردم، لزوم استفاده از دانش جهان (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/3399>), لزوم ادای وظیفه علمای دین و روشنفکران، لزوم تلاش مجاهدانه امت (امام خامنه‌ای، بیانات در کنفرانس وحدت اسلامی: ۹۴/۱۰/۸ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/31770>), لزوم تحقیق دانشگاه‌ها برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، لزوم گنجاندن معارف تمدن‌ساز در کتاب‌ها، لزوم طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی: ۹۱/۱۲/۱۴ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/22126>), لزوم پرهیز از تقلید غربی، لزوم شناسایی نیازهای حقیقی و اساسی کشور و تکیه بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی می‌دانند (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>) پس از روشن شدن معنای تمدن و تمدن‌سازی به تشریح معنای سبک زندگی می‌پردازیم.

۲.۲. سبک زندگی

سبک زندگی یا لایف استایل (life of Style) در تبیین گونه‌های مختلف زندگی در میان اقوام و ملیت‌ها با نگرش‌های متفاوت به هستی، کاربرد دارد. از آنجاکه «سبک زندگی» واژه‌ای مرکب است؛ از این رو ابتدا به بیان معنای هر کدام از این کلمات این مفهوم مرکب می‌پردازیم. واژه «سبک» در لغت به معنای «روش»، «شیوه»، «طرز»، «راه و رسم»، «قاعده و اسلوب» (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۸۱۸) آمده است و واژه «زندگی» نیز در لغت به معنای «عمر»، «زندگانی»، «حیات»، «زیستن»، «معاش و زنده بودن» است (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۸۱۸). سبک مترادف واژه «سیره» بر وزن «فَعْلَه» در زبان عرب است. در این وزن، واژه نه بر نفس عمل که بر نوع عمل دلالت دارد و اهل لغت آن را همان طریقه، هیئت، رفتار و روش و حالتی دانسته‌اند که انسان و غیر انسان بر آن حالت باشند (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵،

ج ۳، ص ۳۴۰ و راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۲۴۷). شهید مطهری نیز «سیره» را نوع و سبک رفتار دانسته است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۴۵ و ۴۶).

از طرفی اندیشمندان در معنای مفهوم ترکیبی «سبک زندگی» تعاریفی را ارائه نمودند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. به باور گیدنز سبک زندگی «مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها است که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او برآورده می‌شود؛ بلکه روایت خاصی را هم که برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران منسجم می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰). همچنین از نظر آلفرد دالر، سبک زندگی ترکیبی از مجموع انگیزه‌ها، ویژگی‌ها، علائق و ارزش‌هایی است که در تمام رفتارهای فرد ظاهر می‌شود. گاهی نیز به معنای ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی است که در مردم متعلق به یک طبقه اجتماعی مشترک است (صلیبی، ۱۳۸۲: ص ۳۷۹). همچنین سبک زندگی اسلامی عبارت است از «مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارها در حوزه فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، جسمانی، معنوی، علمی و... بر اساس مبانی و اهداف اسلام شکل گرفته و در زندگی انسان مسلمان نهادینه شده که در حقیقت هویت او را نشان می‌دهد.» (ر. ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶: ص ۳۱)؛ بنابراین می‌توان گفت سبک زندگی از نظر مفهومی ناظر به زندگی مادی فردی و رفتارهای مصرفی انسان است (ر. ک: جباران، ۱۳۹۴: ص ۱۸۷ - ۱۸۶).

از سویی از نظر رهبر انقلاب برای فهم ماهیت و ابعاد مختلف سبک زندگی باید از تقلید پرهیز نمود؛ زیرا منابع اسلامی در سلوک عملی منابع کامل و مملو از مولفه‌های تمدن ساز هستند. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، <https://farsi.khamenei.ir/https://khl.ink/f/41673>) ایشان بر این باور هستند که هدف پیامبران از مجاهدت‌های مخلصانه تشکیل نظام دینی و اقامه حق است. همچنین در نظام اسلامی باید احکام و سبک زندگی اسلامی پیاده شود و فرهنگ جامعه در همه ابعاد، منطبق بر آموزه‌های قرآنی باشد (ر. ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان خراسان

شمالی (۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/> ۲۱۲۵۲). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آنجایی که سخن از سبک زندگی به میان آورده‌اند، هم‌ردیف آن عبارات «روش زندگی» و «عادات زندگی» را نیز به کار برده‌اند (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی (۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/> ۲۱۲۵۲)). که می‌تواند حکایت از دلالت سبک زندگی بر رفتارهایی داشته باشد که به عادت یک فرد یا جامعه تبدیل شده‌اند و از آنجا که در توضیح سبک زندگی، از عبارت «چگونگی مشی زندگی» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای ستادهای کنگره شهدای کهگیلویه و بویر احمد و خراسان شمالی، : ۱۳۹۵ / ۷ / ۵، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/34514>) استفاده نموده‌اند، استفاده می‌شود که اساساً سبک زندگی، نه بر نفس عمل و رفتار، بلکه بر کیفیت، شیوه و چگونگی رفتارها دلالت دارد. بر این در سبک زندگی، چگونگی آن دسته از رفتارهای فردی و اجتماعی مورد نظر است که برای انسان به یک عادت یا حالت پایا تبدیل شده باشند و از نوعی تداوم برخوردار باشند در واقع سبک و روش تعالی بخشی است که اسلام برای زندگی بشر ارائه می‌دهد، ما معتقد هستیم که اسلام در موضوعات مختلف زندگی، روش ارائه داده است و باید از این رهنمون‌ها استفاده شود.

۳.۲. مصرف

واژه «مصرف» از ماده «صرف» به معنای این است که انسان با اراده در چیزی تصرف کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ص ۱۱۰). در علم اقتصاد برای اصطلاح «مصرف» معانی متعددی ذکر شده است. برخی بر این باور هستند که «ثروت، منبع درآمد است و درآمد خالص یعنی درآمد منهای استهلاک به دو منظور استفاده می‌شود: بخشی از آن به انباشتن ثروت و پس انداز اختصاص می‌یابد و بخش دیگر، صرف تحصیل لذت می‌شود. آن قسمت از درآمد که صرف به دست آوردن لذت می‌گردد، «مصرف» نام دارد» (قدیری اصل، ۱۳۷۹: ص ۲۷۴). برخی دیگر می‌گویند: مصرف فرآیندی است که در آن ارزش استفاده؛ چه به صورت تبدیل (مصرف تولیدی) و چه به صورت استفاده ناب و ساده آن در هنگام مالکیت برای ارضاء

نیازها از بین می‌رود. با افزایش مصرف، کالاها و خدمات مصرفی تغییر می‌کند و به تدریج از هزینه‌های ضروری کاسته شده و هزینه‌های تجملی و غیر ضروری جای آن را می‌گیرد (رزاقی، ۱۳۷۴: ص ۳۵)؛ بنابراین آنچه در این نوشتار از «مصرف» اراده شده این است که کلیه کالاها و خدماتی را که تولید می‌شوند و مصرف‌کننده در چهارچوب اقتصادی چه با اراده، چه تحت تأثیر عوامل روانی برای رفع نیاز خود درصدد تهیه آن برمی‌آید (رزاقی، ۱۳۷۴: ص ۳۷ - ۳۸). پس از مشخص شدن معنای واژگان کلیدی به تبیین مولفه‌های تمدن ساز سبک زندگی قرآنی و تأثیر آن در حوزه مصرف می‌پردازیم.

۳. پیشینه پژوهش

اگر چه در کتب و آثار پژوهشی مانند «تاریخ طبری»، «الکامل»، «تاریخ ابن خلدون»، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف جان احمدی، «تمدن اسلامی و راه‌های تحقق در قرآن و حدیث» و «بررسی و تبیین مولفه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن»، «فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف ولایتی و غیره مطالب فراوانی در زمینه مولفه‌های تمدن‌سازی به‌طور کلی وجود دارد. همچنین در آثار مرتبط با سبک زندگی از جمله کتاب «سبک زندگی قرآنی» نوشته محمد علی رضایی اصفهانی و مقاله «مولفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری» نوشته نوروز امینی و کوثر حلال خور به مولفه‌های سبک زندگی اسلامی پرداخته شده اما ویژگی منحصر به فرد این اثر تبیین مولفه‌های تمدن ساز حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری به‌طور خاص و مستندسازی و تحلیل قرآنی و روایی آن‌ها است.

۴. مولفه‌های تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف

از دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مولفه‌های مؤثر در تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف را می‌توان به دو دسته مولفه‌های سلبی و ایجابی تقسیم نمود که در ذیل به‌طور مفصل از آن‌ها بحث می‌شود:

۱.۴. مولفه‌های سلبی

از منظر مقام معظم رهبری در زمینه سبک زندگی قرآنی، عدم اسراف، عدم تجمل‌گرایی، عدم اتراف و تنوع طلبی، نفی نیازهای کاذب و اولویت بندی نیازها از جمله مولفه‌های سلبی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف است که در ذیل از آن‌ها بحث می‌شود:

۱.۴-۱. عدم اسراف و صرفه جویی

یکی دیگر از مولفه‌های تمدن‌سازی در سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف، صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف است. مقام معظم رهبری در مسئله صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد، به مسئولان تذکر می‌دهند که اگر این اخلاق به مردم سرایت کند و هم نسبت به مردم و کسانی که دستشان به دهان شان نمی‌رسد در هر دو قشر اسراف زیاد وجود دارد. (امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۹۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/25795>) یکی از نتایج و اثرات روش صحیح مصرف، کاهش هزینه‌ها و ایجاد زمینه برای گسترش عدالت اجتماعی است که یکی از مهم‌ترین اهداف رسالت پیامبران است. ایشان در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، صرفه جویی را این‌گونه تبیین می‌کنند: «صرفه‌جوئی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جوئی به معنای درست مصرف کردن، به جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون این‌که این مصرف اثر و کارائی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با زائران علی بن موسی الرضا: ۵۱/ ۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/6082>).

از نظر لغویون نیز، به تجاوز از حد در هر کاری اسراف گویند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰۷)؛ گرچه چون همه گناهان، تجاوز از حدود الهی هستند، مصداق اسراف

لغوی محسوب می‌شوند (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۶۱) ولی مصداق اسراف اصطلاحی نیستند؛ زیرا در این صورت هر گناهی مصداق اسراف نیز می‌شد ولی کاملاً مشخص هستند که اسراف و زیاده روی از مصادیق قطعی اسراف اصطلاحی است (رجایی، ۱۳۹۲: ص ۳۱-۳۲). در سبک زندگی قرآنی نیز عدم اسراف توصیه شده است؛ زیرا خداوند متعال یکی از ویژگی‌های عباد الرحمن، را در سوره فرقان، پرهیز آنان از اسراف بیان می‌کند: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا... وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان، ۶۳ - ۶۷)؛ و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند... و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند». در صدر آیه، دو طرف افراط و تفریط در انفاق نفی شده و ذیل آن، حد وسط را اثبات نموده است. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۲۴۰) از این رو بر طبق آیه حتی در انفاق، اسراف جایز نیست و انسان در خرج کردن محدودیت دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۸۲). انفاق از ضروریات زندگی خانوادگی است که اهل خانه‌اش را گرسنه یا در تنگنا قرار دهد درحالی‌که در راه خدا انفاق کند و نه این‌که از انفاق چیزهای مازاد از احتیاجش بخل بورزد (صادقی تهرانی، ج ۲۱، ص ۳۳۵). خداوند متعال نیز در آیات قرآن دستور می‌دهد تا از مسرفان پیروی نکند (ر.ک: شعراء/۱۵۱)؛ زیرا مسرفان در کار خود تعقل و تفکر نمی‌کنند و به خاطر ارضای شهوت جامعه را از حالت تعادل به انحراف می‌کشانند (ر.ک: انبیاء/۹).

۱.۴-۲. عدم افراط در رفاه طلبی و تجمل‌گرایی

مقام معظم رهبری نیز در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها یکی از عیوب اساسی سبک زندگی مردم و مشکلات آن را مصرف‌گرایی، اسراف، زیاده روی، زیاد خرج کردن و رفاه طلبی افراطی می‌دانند که از طبقات بالا به پایین سرازیر می‌شود. که متأسفانه موارد یاد شده به کشور ضربه می‌زند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با زارین حرم مطهر رضوی: ۱۳۹۷ / ۰۱/۰۱، <https://khl.ink/f> ۳۹۲۷۲)

://farsi.khamenei.ir. البته در آیات قرآن هم بر این مهم تأکید شده است.

در آیات قرآن از افراد رفاه زده با عنوان «مترفین» یاد شده است. واژه «ترفه» به معنای نعمت است و «ترف» به معنای تنعم. «مترف» به کسی گفته می‌شود که از انبوه نعمت برخوردار است که این نعمت او را به طغیان وادار کرده و از انواع لذتها و شهوات دنیا کامجویی می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹؛ ص ۱۷). یکی از ویژگی‌هایی که قرآن کریم در مورد رفتار مصرفی انسان مادیگرا مطرح می‌کند تجمل‌گرایی است و به علت عدم توجه به نیازهای غیر مادی، بیشتر درآمد خویش را برای رفع نیازهای مادی صرف می‌کند (هادوی نیا، ۱۳۹۶: ص ۱۵۹). قرآن کریم منشا رفتار قارون را با توجه به تجمل‌گرایی تحلیل می‌کند و می‌فرماید: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ؛ (قصص: ۷۹) پس [قارون] با کوبه خود بر قومش نمایان شد؛ کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می‌شد؛ واقعاً او بهره بزرگی [از ثروت] دارد». بر طبق آیه افراد مادیگرایی که زندگانی دنیا را هدف نهایی و یگانه غایت سعی خویش می‌دانند، هیچ غایت دیگری را به غیر از زندگی دنیا دنبال نمی‌کنند و از آخرت غافل هستند و به همین جهت اموال قارون را سعادت عظیم شمردند و بدون قید و شرط آرزو کردند که ای کاش ما هم مثل قارون بودیم، چون او از حظی عظیم، و سعادت بزرگ برخوردار است (ر. ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۷۹-۸۰).

آیات قرآن کریم به وضوح نشان می‌دهد که یکی از موانع تضرع به درگاه خداوند، رفاه و آسایش است (انعام: ۴۲ - ۴۴) همچنین انسان با زندگی مترفانه و افراط در استفاده از طبیعت، به غضب الهی گرفتار شده (طه: ۸۱) از محبت خدا محروم می‌شود (مائده: ۸۷) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امت خویش می‌فرماید: مترفین بدترین اقشار اجتماع معرفی کردند که همه فتنه‌ها به سوی آنان برمی‌گردد. (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۵۷) اتراف، روح عبادت و مسئولیت‌پذیری را در انسان نابود و از او موجودی خودخواه

می‌سازد (ر.ک: حسینی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۷)

خداوند متعال در سوره اعراف می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۲) [ای پیامبر! بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو: این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد. این‌گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم». در آیه به مؤمنین سفارش کرده از زینت‌ها و روزی‌های طیب استفاده کنند ولی در حد اعتدال و از تجمل و اشرافیگری پرهیز کنند. علامه طباطبائی اخراج زینت را استعاره تخییلی می‌داند که کنایه از اظهار زینت است. خدای سبحان از راه فطرت، هدایت را به انسان الهام کرده و انواع و اقسام زینت‌های مورد پسند جامعه را که باعث مجذوب شدن دلها به سوی خود او است ایجاد کرده است تا تنفر را از خود دور کند هرچند در ظاهر، به وجود آوردن زینت‌ها و سایر نیازهای زندگی کار خود انسان است؛ چون به الهام خداوند ایجاد شده است و چون می‌دانسته انسان محتاج به زینت است. پس زینت هم یکی از مهم‌ترین اموری است که اجتماع بشری به آن اعتماد می‌کند و جزء لاینفک جامعه محسوب می‌شود به طوریکه با فرض نبودن زینت، جامعه منهدم می‌شود. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۸۰) همچنین در سوره مائده، افراط در استفاده از طیبات، عامل محرومیت از محبت خداوند است (ر.ک: مائده: ۸۷)؛ در سوره طه نیز طغیان و افراط، در استفاده از طیبات را عامل گرفتاری به غضب الهی شمرده شده است (ر.ک: طه: ۸۱).

همچنین امام صادق علیه السلام خطاب به حمران بن اعین می‌فرماید: «انظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمُقَدَّرَةِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمُقَدَّرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَفْنَعُ لَكَ بِمَا قُسِمَ لَكَ وَ آخَرَى أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ مِنْ رَبِّكَ» (کلینی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۴۴) نگاه کن به توان کسی که پایین‌تر از توست و نگاه نکن به توان کسی که بالاتر از توست همانا آن برای تو قانع‌کننده‌تر است به

آنچه که برای تو تقسیم شده و شایسته‌تر است از این که از پروردگارت چیز زیادی طلب کنی».

۱.۴-۳. نفی نیازهای کاذب و رعایت اولویت‌ها

مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه‌ای و نظارتی؛ یکی از مشکلات کشور را عادت به واردات بدون اولویت می‌داند که لزوم مقابله با آن را بر هر انسان دلسوز و هر مسئول با همتی لازم می‌داند (امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه ستاد تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی: ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۹۲، <https://khl.ink/f> <https://farsi.khamenei.ir>). رعایت اولویت‌ها یکی از اصول عقلی و عقلایی در تخصیص درآمد به‌ویژه مصرف می‌باشد (ر.ک: حسینی، ۱۳۷۹: ص ۱۸۷). خداوند متعال نیز در آیات قرآن بر این مهم تأکید ورزیده و می‌فرماید: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مائده/۸۸)؛ و از نعمتهای حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید. در آیه «اکل» به معنای خوردن و جبران قوای از دست رفته و «رزق» به معنای انعام مخصوصی است که استمرار پیدا و برای ادامه زندگی و رفع گرفتاری و مضیقه صورت می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۲۰۵). بنابراین نخستین چیزی که در برنامه‌ریزی اقتصادی باید مورد توجه واقع شود، توجه به نیازهای اولیه و اساسی است.

همچنین حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۲۶ نهج‌البلاغه در رابطه با اهم و مهم کردن و اولویت قرار دادن در مصرف کردن مال می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْدِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَفْقَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَمْ يَضَعْ أَمْرًا مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ لَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَ كَانَ لِغَيْرِهِ وَ دُهُمُ فَإِنْ زَلَّتْ بِهِ التَّعْلُ يَوْمًا فَاحْتِاجَ إِلَى مَعُونَتِهِمْ فَسَرُّ خَلِيلٍ وَ الْأَمُّ حَدِينٍ»؛ بدانید که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تبذیر، و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا برد

و در آخرت فرود آرد، او را در دیده مردمان گرامی کند، و نزد خدا خوار گرداند. هیچ کس مال خود را آن‌جا که نباید نداد، و به نامستحق نبخشود، جز آن که خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود، و دوستیشان از آن دیگری بود. پس اگر روزی پای او لغزید، و به یاری آنان نیازمند گردید، در دیده ایشان بدترین یار است و لثیم‌ترین دوستدار». همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام درباره رعایت اولویت‌ها در زندگی می‌فرماید: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ (قَدْ) صَيَّعَ الْأَهْمَّ؛ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش. ص ۴۶۰) هر کس به چیزی که مهم نیست پردازد آنچه را که اهمیت بیشتری دارند، از دست می‌دهد» از روایت به دست می‌آید که رعایت اولویت‌ها در همه امور مخصوصاً در مصرف و خرج کردن لازم است. البته باید توجه کرد که این اولویت‌بندی نباید دست خوش تبلیغات همگام با اهداف مکتب سرمایه‌داری بر پایه افزایش سود باشد و باعث تشدید نیازهای کاذب در انسان شود (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲).

۲.۴. مولفه‌های ایجابی

از منظر مقام معظم رهبری در زمینه سبک زندگی قرآنی، مصرف اقلی و قناعت، دقت بیشتر در مصرف عمومی، توازن بین دخل و خرج، گزینش کالاهای حلال و طیب و کالاهای داخلی از جمله مولفه‌های ایجابی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف است که در ذیل از آن‌ها بحث می‌شود:

۲.۴.۱- مصرف اقلی و قناعت

یکی از مولفه‌های تمدن‌سازی در سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری، مصرف اقلی و قناعت است. یکی از توصیه‌های ایشان به زوج‌های جوان این است که «قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضی‌ها خیال می‌کنند که قناعت مال آدم‌های تهیدست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه عقد ۷۶/۰۱/۰۱، <https://farsi.khamenei.ir> ۴۶۷۶//khl.ink/f/ <https://farsi.khamenei.ir> ۴۶۷۶//khl.ink/f/ خطبه عقد ۷۶/۰۱/۰۱، ۷۶/۰۱/۰۱).

ایشان، ساده زیستی را به کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا تفسیر می‌کنند (امام خامنه‌ای، بیانات در همایش آسیب‌شناسی انقلاب: ۱۳۷۷ / ۱۲ / ۱۵، <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/2933>). معظم له پرهیز کردن از اسراف، اصلاح الگوی مصرف و روحیه قناعت و ساده زیستی را از جمله مصادیق فرهنگ می‌شمارد.

قناعت یعنی اکتفا کردن انسان به کم از امور مورد احتیاج است. (ر. ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۶۸۵) اسلام در عین این‌که وابستگی به مال دنیا را محکوم می‌کند ولی اصل داشتن آن و اخذ آن را محکوم نمی‌کند (مطهری، ۱۳۸۹: ص ۱۸۱) مصرف حداقلی معیشت، به مصارف ضروری مانند خوراک، پوشاک و نیاز به آموزش عمومی اطلاق می‌شود. و همچنین اگر کالایی در حد شان او باشد به طوریکه در صورت عدم استفاده از آن، کسر شأن به شمار می‌آید. (رجایی، ۱۳۹۲: ص ۷). خداوند متعال مردم را در سوره یوسف به صرفه جویی و ضرورت قناعت در آذوقه‌ها و محصولات کشاورزی، پیش از دوران قحطی و خشکسالی ترغیب می‌کند و می‌فرماید: ﴿قَالَ تَزْرَعُونَ سَعَى سِينٍ دَابَّأَ فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنَ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ﴾ (یوسف: ۴۷ و ۴۸)؛ گفت: «هفت سال بی‌درپی می‌کارید، و آنچه را درویدید - جز اندکی را که می‌خورید - در خوشه‌اش واگذارید. * آن‌گاه پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن [سالها] از پیش نهاده‌اید - جز اندکی را که ذخیره می‌کنید - همه را خواهند خورد». برطبق آیات صرفه جویی و ذخیره‌سازی به‌عنوان یک ضرورت (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۱۷) و یکی از امور مهم کشورداری است ولی در خانواده به‌عنوان یک واحد کوچک از اجتماع قابل اجرا است. بر طبق عبارت «قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» صرفه‌جویی امروز، خودکفایی فردا و اسراف امروز، نیاز فردا را بدنبال دارد (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۱۸). این مؤلفه در روایات نیز مورد تأکید واقع شده است؛ به‌عنوان نمونه امام کاظم علیه‌السلام انسان عاقل را انسانی می‌داند که به حد کفایت قانع باشد و در نتیجه قناعت بی‌نیاز خواهد شد (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸). همچنین اسحاق بن عمار از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که ایشان

مؤمن را کسی می‌داند که مخارج او سبک است و امور اقتصادی خود را به خوبی تدبیر می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۲۴۱).

۲.۴ - ۲. دقت بیشتر در مصرف عمومی

مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری بر حفظ اموال بیت‌المال تأکید داشته‌اند و آن را از اصول اثرگذار در پیشرفت اقتصادی بشمار آوردند (ر. ک: مکتوبات: ۳۱ / ۰۱ / ۱۳۸۹). خداوند متعال نیز در سوره مبارکه آل عمران پیامبران را مبرا از خیانت در بیت‌المال معرفی می‌کند و همچنین خیانتکاران در اموال بیت‌المال را در قیامت به مجازات می‌رساند ﴿وَمَا كَانَ لِتَيْبٍ أَنْ يَغْلَ وَ مَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۱)؛ و هیچ پیامبری را نَسَرَدَ که خیانت ورزد، و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید؛ آن گاه به هر کس [پاداش] آنچه کسب کرده، به تمامی داده می‌شود، و بر آنان ستم نرود.

شان نزول آیه مربوط به عذرتراشی‌های بی‌اساس بعضی از جنگجویان احد است که می‌خواستند سنگر حساس خود را برای جمع‌آوری غنیمت خالی کنند، و به دستور امیر خود برای رسیدن به غنائم بیشتر گوش ندادند و گفتند، ما می‌ترسیم پیغمبر در تقسیم غنائم ما را فراموش کند.

قرآن در پاسخ بعضی از جنگجویان احد که می‌خواستند سنگر حساس خود را برای جمع‌آوری غنیمت خالی کنند، و به دستور امیر خود برای رسیدن به غنائم بیشتر گوش ندادند و گفتند، ما می‌ترسیم پیغمبر در تقسیم غنائم ما را فراموش کند؛ می‌گوید: «خیانت با نبوت سازگار نیست»؛ پس آیه هر گونه خیانت را، اعم از خیانت در تقسیم غنائم و یا حفظ امانت مردم، و غیره را از پیامبران نفی می‌کند و سپس خائنین را تهدید می‌کند که هر کس خیانت کند، روز رستاخیز آنچه را در آن خیانت کرده، به‌عنوان مدرک جنایت بر دوش خویش حمل می‌کند و یا همراه خود به صحنه محشر می‌آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۵۱ - ۱۵۲). همچنین امام علی علیه السلام در نامه‌ای که به برخی از مأموران مالیاتی خود

نوشته‌اند می‌فرمایند: کسی که امانت الهی بیت‌المال را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری در دنیا را به روی خودگشوده است» (سید رضی، نامه ۲۶، ص ۵۰۷). از این رو بر طبق آیه و روایت حضرت امیر علیه‌السلام، باید در مصرف بیت‌المال دقت بیشتری شود؛ زیرا خائن به بیت‌المال در روز قیامت به سزای اعمال خود می‌رسد.

۲.۴ - ۳. توازن بین دخل و خرج (کفاف)

یکی دیگر از مولفه‌هایی که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند و مردم را به آن توصیه می‌کنند، توازن بین دخل و خرج است (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید، ۱۳۸۶/۷/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/>، ۳۴۰۵). ایشان مسئولان کشور را نیز به برقراری توازن دخل و خرج عمومی در ابعاد کلان و محاسبه عملکردشان سفارش می‌نمایند (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی: <https://farsi.khamenei.ir>، <https://khl.ink/f/>، ۲۲۲۳۳). پیش از این ثابت کردیم که در سبک زندگی قرآنی قناعت لازم است؛ یکی از نتایج قناعت در زندگی کفاف است. کفاف به سطحی از مصرف اطلاق می‌شود که نیازهای انسان را برطرف کند. (ر.ک: ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۹۱) یکی از عوامل مؤثر در تعیین میزان مخارج فرد مسلمان، سطح درآمد است به این معنا که در صورت کاهش درآمد، هزینه‌ها را کاهش دهد و با افزایش درآمد آن را افزایش می‌دهد (حسینی، ۱۳۷۹: ص ۱۷۲).

خداوند متعال در آیات قرآن می‌فرماید: «آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدست هستند، از آنچه که خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند، خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند» (طلاق/۷)؛ این آیه هرچند در مورد تأمین مخارج زنانی است که طلاق گرفته‌اند، اما هیچ منافاتی ندارد که از آن اصل را برداشت کرد که هر کس به اندازه وسع و توانی که خداوند به او داده است تکلیف تأمین مخارج زندگی را دارد. همچنین چنان که برخی از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا

طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۸۷﴾ (مائده: ۸۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام مشمارید و از حدّ مگذرید، که خدا از حدّ گذرندگان را دوست نمی‌دارد» نیز استفاده کرده‌اند که در بهره‌گیری از امور حلال نباید از حد تجاوز کرد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۵۵). بر طبق این آیه مؤمنین تسلیم امر الهی، طیبیات را بر خود حرام نمی‌کنند و البته «حرام» به معنای چیزی است که از آن منع شده باشد، چه این منع به تسخیر الهی باشد، و چه به منع قهری، و چه به منع عقلی یا منع شرعی یا از ناحیه کسی که اطاعت امرش لازم است. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۱۰۶) در دین اسلام افراط و تفریط ممنوع است و ایمان با افراط و تفریط سازگار نیست و محروم کردن خود از طیبیات، یک تعدی و تجاوز به شمار می‌رود. (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۶۰) همچنین مردی از امام صادق علیه السلام در مورد تدبیر در معیشت این‌گونه سؤال کرد که به من رسیده است که میانه روی و تدبیر در معیشت، نصف کسب است؟ «حضرت فرمودند: نه، بلکه همه کسب است و تدبیر در معیشت از دین است» (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۶۷۰).

۲.۴ - ۴. گزینش کالاهای حلال و طیب

برای حرکت به سمت تمدن‌سازی نوین اسلامی در جامعه قرآنی با سبک زندگی قرآنی کالاها و اقلام مصرفی که گزینش می‌شوند باید دارای خصوصیات باشند. مهم‌ترین این مؤلفه‌ها حلال و طیب بودن کالاهای مصرفی و طهارت اقتصادی است؛ زیرا مقام معظم رهبری در بیانات خود ضمن بیان روایاتی از حضرت امیر به این مهم اشاره کردند (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۱/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/2442> <https://khl.ink/f/>). شرح روایت به این صورت است که شخصی که از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خواهد فرماندار به شهری بفرستد بسته سر به مهری را به این شخص بدهد که داخل آن سویق - آرد الک نکرده و نخاله‌دار - وجود دارد. یک مشت از آردها را با آب داخل کاسه ریخت و به عنوان نهار خورد به او هم می‌گوید بخور. او

حیرت زده به حضرت اعتراض می‌کند که این عراق با این همه نعمت در اختیار دارید، این کارها برای چیست؟! حضرت فرمود: «والله ما ائتم علیہ بخلا به»؛ سوگند به خدا، من که در این کیسه را مهر کردم، به خاطر بخل نیست که حیقم می‌آید از این آرد الک‌نکرده کسی بخورد. «ولکنی ابتاع قدر ما یکفینی»؛ من به قدر حاجت شخصی خودم، از این آردها - که پست‌ترین آرد است؛ می‌خرم. «فاخاف ان ینقص فیوضع فیہ من غیره»؛ می‌ترسم که این کیسه را کسی باز کند و از غیر از آن آردی که خود من خریده‌ام، چیزی داخل این کیسه بریزد. «وانا اکره ان ادخل بطنی الا طیباً»؛ و من خوش ندارم که در شکم خود غذایی وارد کنم که طیب و پاکیزه نباشد. می‌خواهم غذای پاکیزه بخورم؛ غذایی که از پول خودم و مال خودم است و مال کسی در آن نیست. بعد فرمودند: «فایاک و تناول ما لم تعلم حلة»؛ مبدا چیزی که حلال بودن آن را نمی‌دانی، تناول کنی؛ بخوری یا بگیری. تناول، فقط خوردن نیست؛ او را در اختیار نگیری، مگر یقین کنی که حلال است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۳۳۵).

خداوند متعال نیز استفاده از هر نعمت زمینی را برای انسان‌ها با دو شرط اساسی حلیت و طیب بودن، مباح می‌شمارد. حلیت در لغت از حلّ به معنای گشودن گره‌های بسته (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۲۵۱) به کارهای جایز و مباح که گره‌های منع و حرمت از آن گشوده شده، حلال گویند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۵۹) همچنین «طیب» چیزی است که هم حواس و هم نفس از آن لذت می‌برد؛ (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۵۲۷) علامه طباطبائی واژه «طیب» را ارتزاق از انواع غذاهای مختلف می‌داند و یا مطلق چیزهایی که آدمی در زندگی و بقای خود از آن‌ها استمداد می‌جوید، مانند مسکن، همسر و... برای تشخیص این‌که کدامیک از افراد این انواع «طیب» و مطابق با میل و شهوت او و سازگار با وضع ساختمانی او است، خداوند او را مجهز به حواسی کرده که با آن می‌تواند سازگار آن را از ناسازگارش تمیز دهد. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۸۰ - ۸۱) همچنین ایشان در تفاوت بین حلال و طیب؛ حلال را ضد حرام می‌داند و معنای حرام بودن این است که انجام دادن آن کار ممنوع است و طیب را چیزی که سازگار با نفس است در مقابل خبیث، مثل

سخن خوشی که با گوش سازگار است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۱۷) و بر طبیعت اولیّه باشد، بدون این که با چیزی که سبب فساد و تیرگی آن است مخلوط گردد. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۳۶).

یا در جای دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا...»؛ (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید...». واژه «اکل» را در اصل به معنای جویدن و بلعیدن است ولی به‌عنوان کنایه در مطلق تصرفات در اموال نیز استعمال می‌شود و به این علت که در تصرفات مالی نیز منظور اصلی انسان خوردن است، چون بطور کلی خوردن رکن زندگی آدمی است. و به این علت می‌توان امر (کلوا - بخورید) را هم حمل بر معنای وسیع کنیم. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۱۸) «طیب»، صفت «حلال» است و فائده این وصف، تعمیم حکم حلیت خوردن است، زیرا صفت آوردن برای اسم نکره، حکم موصوف را تعمیم می‌دهد. پس مقصود از «حَلَالًا طَيِّبًا» هر مأكول مباحی که موافق طبع باشد را شامل می‌شود. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۷۸).

۲.۴ - ۵. گزینش کالاهای داخلی

یکی از مولفه‌های تمدن‌سازی مقام معظم رهبری که به مردم و دولت توصیه می‌کنند؛ گزینش کالا از محصولات داخلی است. باید که مردم و دولت به دنبال «بِرَد» و مد نباشند؛ زیرا این کار باعث ضربه زدن به تولید داخلی و سلطه بیگانگان بر کشور می‌شود (ر.ک: امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۴/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir>. <https://khl.ink/f29236> قرآن کریم به فرصت طلبی منافقان اشاره می‌کند که به دنبال سود هستند. آنان در صورت پیروزی مؤمنان، اظهار ایمان و شرکت در جهاد می‌کنند و اگر کافران پیروز شوند، خود را همراه با کافران و زمینه‌ساز پیروزی بیان می‌کنند. خدای سبحان در روز قیامت حکم می‌کند و سپس می‌فرماید:، خداوند برای کافران بر مؤمنان سلطه‌ای قرار نداده است: ﴿الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْنَةٌ مِنَ اللَّهِ فَالُوا لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ

نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوَذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿نساء / ۱۴۱﴾.

جمله «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ...» از عدم سلطه کافران بر مؤمنان و بلکه از چیرگی مؤمنان بر کافران خبر می دهد. درباره این جمله احتمالات گوناگونی مطرح است؛ از قبیل:
 (أ) در آخرت کافر سلطه ای بر مؤمن ندارد؛ هرچند ممکن است در دنیا به زیان مسلمان حکم شود؛

(ب) در مسائل فرهنگی و احتجاجات، هرگز کافر بر مؤمن برهانی ندارد و همواره در مسائلی مانند وحی، نبوت و معاد، براهین عقلی به سود مؤمنان است؛

(ج) اگر محور مبارزه، ایمان و کفر باشد، بی تردید مؤمنان همواره پیروزند؛

(د) چنان که کافر در آخرت راه سلطه ای بر مؤمن ندارد، در دنیا نیز برای آن ها سلطه سیاسی و نظامی نیست. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۳ / ۱۹۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۱ / ۲۴۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ۵ / ۱۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۲۱ / ۱۸۰ - ۱۸۳)؛ لکن فقها با استدلال به این آیه به جهت این که «سبیل» نکره است و افاده عموم می کند، انعقاد هرگونه پیمان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را که سبب سلطه کافران بر مسلمانان گردد، نامشروع می دانند (اردبیلی، [بی تا]، ۴۳۹ - ۴۴۰؛ کاظمی، ۱۳۶۵، ۳ / ۵۳ - ۵۴) غیر از جهت یاد شده، استدلال فقها بر این مبنا استوار است که جعل در آیه کریمه، جعل و اراده تشریعی باشد که در این صورت، مخصوص دنیا خواهد بود. در صورتی که اگر جعل و اراده تکوینی باشد، مصداق کامل آن، قیامت است؛ (لنکرانی، ۱۴۱۶: ص ۲۳۴) ولی اگر مسلمانان با دو عنصر توحید مداری و وحدت محوری زندگی کنند، مصداق آیه مزبور خواهند بود همانگونه که می فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران / ۱۳۹) (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۱، ص ۱۸۰ - ۱۸۳).

۵. نتیجه گیری

نتیجه تحقیق این است که واژه «سبک» در لغت به معنای روش، شیوه است و سبک

زندگی اسلامی عبارت است از: مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارها در حوزه‌های گوناگون زندگی بر اساس مبانی و دیدگاه‌های اسلام شکل گرفته و در زندگی انسان مسلمان نهادینه شده که در حقیقت هویت او را نشان می‌دهد. مبنای مصرف، توحید و برخورداری انسان از روح مجرد و بقای آن پس از مرگ است. از دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مولفه‌های مؤثر در تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف را می‌توان به دو دسته مولفه‌های سلبی و ایجابی تقسیم نمود. مصرف اقلی و قناعت، دقت بیشتر در مصرف عمومی، توازن بین دخل و خرج، گزینش کالاهای حلال و طیب، گزینش کالاهای داخلی از جمله مولفه‌های ایجابی و عدم اسراف، عدم تجمل‌گرایی، عدم اتراف و تنوع طلبی، نفی نیازهای کاذب و اولویت‌بندی نیازها از جمله مولفه‌های سلبی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه ایشان است. از این رو کاربست این مولفه‌ها و اهتمام و التزام عملی به آن‌ها در تحقق و تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در مصرف نقش اساسی دارد و در مقابله با زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی بر ایران مؤثر خواهد بود. امید است؛ در مقام عمل، با جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه رو به سمت محقق کردن سبک زندگی قرآنی پیش برویم.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ۱۴۱۸، ترجمه مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معرف اسلامی.
۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
 ۲. ابن حنبل، بی تا، *مسند احمد بن حنبل*، بی جا، بیروت، انتشارات دار صادر.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق.، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
 ۴. ایروانی، جواد، ۱۳۸۴، *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
 ۵. جباران، محمد رضا، بهار ۱۳۹۴، *تحلیل مفهومی سبک زندگی*، مجله قبسات، شماره ۷۵.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تسنیم*، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء.
 ۷. حسینی، سید رضا، ۱۳۷۹، *الگوی تخصیص در آمد و رفتار مصرف کننده مسلمان*، چاپ اول، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۸. حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، *بیانات*، (برگرفته از سایت www.khamenei.ir)
 ۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم، چاپ اول.
 ۱۰. رجایی، سید محمد کاظم، خطیبی، مهدی، ۱۳۹۲، *شاخص اسراف و معیارهای آن*، پژوهشگاه بین‌المللی مصطفی.
 ۱۱. رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، محمد علی، *سبک زندگی قرآنی*، قم، دفتر نشر معارف.
 ۱۲. شریعتی، علی (۱۳۶۸)، *تاریخ تمدن*، تهران: قلم.
 ۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، *نهج البلاغة (للصبحی صالح)*، چاپ اول، قم، بی‌نا.

۱۴. صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۳۰ جلد، چاپ دوم، قم، فرهنگ اسلامی.
۱۵. صلیبی، ژاسنت، ۱۳۸۲، فرهنگ توصیفی روانشناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۹۰، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴، الامالی، قم، دار الثقافة.
۱۹. قدیری اصل، باقر، ۱۳۷۹، کلیات علم اقتصاد، چاپ اول، تهران: مرکز نشر سپهر.
۲۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، چاپ اول، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۲. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۲، تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۲۳. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم، دار الحدیث، چاپ اول.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. مدرسی، محمدعلی، ۱۳۸۲، تمدن مادی گرایانه ما غربی‌ها، چاپ اول، قم: انتشارات شفق.
۲۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، دائرةالمعارف قرآن کریم، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب.
۲۷. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا.
۲۹. معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات تهران.
۳۰. مقصودی، مجتبی و تیشه یار، ماندانا، ۱۳۸۸، تمدن ایرانی فراسوی مرزها، تهران: تمدن ایرانی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. هادوی نیا، علی اصغر، ۱۳۹۶، رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. یوکیچی، فوکوتساوا، ۱۳۷۹، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، چاپ دوم، تهران: گیو.